وقایع فارس و حوادث جنگ بین الملل اول

اخگر، احمد

سقوط شهر شیراز:خرابی خانه‏های شیرازیها در موقع جنگ‏ مخالفت سری بعضی از صاحب‏منصبان ژاندارمری،نبودن پول‏ و عقب افتادن پنجماه حقوق ژاندارمری،تنفر طبیعی اهالی‏ از هر غالب و فاتحی،به آرزو نرسیدن بعضی از طماع که‏ بعد از جنگ حصول مقاصد خود را منتظر بودند تماما باعث‏ شد که بدوا مابین اهالی و ژاندارمری تولید گله و به مرور گله تبدیل به شکایت و شکایت تبدیل به نفرت گردید.

از طرف دیگر چون ژاندارمری برای پیدا کردن پول برای‏ مخارج اداری وارد و کشی مجبور بود مالیتهای عقب‏افتاده‏ را بسختی مطالبه نماید و همه‏کس از گیرندهء هرپول متنفر میشود روزبروز بر وحشت اهالی میافزود.اخبار ورود قوام‏ با قوای عمده و اخبار دروغی که دینشاه مترجم ژاندارمری‏

مأمور تلگرافخانه برحسب اشاره انگلیسیها از ورود قشون روسی به آباده جعل و نقل میکرد بهمین‏طور اخبار جمله مخالفین به فرونت چغادک دامن‏زن این آتش بود.

از طرف دیگر سلطان فتح الملک شیرازی که بواسطه جرم فشنگ فروختن به قوام در موقع‏ جنگ محبوس بود توسط مادرش وکیلها و سرجوخه‏ها را جمع و به پول انگلیس رشوه و اسلحه داده آنها را برعلیه اقدامات مرحوم یاور علیقلی خان سرا قسم میداد صاحب‏ منصبان مخالف هم از این مقصود تقویت میکردند.

از طرف دیگر بواسطه بی‏پولی ژاندارمری مجبور شد بنا به وعده‏ای که موسس خان ارمنی‏ رئیس مالیه داده بود مقداری‏"نوت‏"باسم کمپانی تاجر معروف شیراز چاپ کند ولی ولی حاج کمپانی مزبور فریب داده و روی اسناد و غیره وعده شصت و پنجروزه نوشته و داده بود و این وعده باعث شد که مردم‏"نوت‏"را رد میکردند.

ژاندارمری هم شب عید نوروز از این نوت‏ها بجای مواجب عقب‏افتاده ژاندارم داده‏ ژاندارمها هرجا میخواستند تبدیل به نقره کنند بواسطه وعده کمی قبول نمیکرد ناچار آنها از کسبه جنس خریده نوت داده ما بقی را جبرا میگرفتند و این مسئله یکباره باعث شد که‏ قلوب بکلی از ژاندارمری بیزار شد.شب هفدهم حمل وقتیکه ژاندارمری شیراز تهیه مسافرت‏ به کرمانشاه رامیدید بناگاه وکلا و ژاندارمهائی که با فتح الملک قسم خورده بودند با بعضی‏ از شکست‏خورده‏های اردوی لار که همان‏وقت رسیده بودند متفقا یورش کرده سیم‏های تلفن‏ را قطع بدوا مرحوم سلطان مسعود خان معاون نظمیه را دستگیر و سپس بمنازل صاحب‏ منصبان رفته یکان‏یکان را دستگیر نموده فتح الملک را با منصب و درجه یاوری توپخانه به‏ ریاست رژیمان نشانیدند.

مرحوم یاور علیقلی خان و مرحوم سلطان غلامرضا خان بمنزل فاخر السلطنه‏1رفته‏ از آنجا با لباس مبدل از شهر خارج میشوند پس از آنکه احساس میکنند مخالفین آنها را محصور کرده‏اند برای حفظ شرافت خود را با هفت‏تیر میزنند.یاور فی الفور مرحوم میشود و سلطان‏ غلامرضاخان پس از چندی معالجه مرحوم شدند.

داود خان و معاضد السلطان و نور الدین میرزا در شاه‏چراغ متحصن شدند لکن آنها را فریب داده اسلحه‏شانرا گرفته به عنف از آنجا خارج و از توهین و بی‏احترامی و اذیت و آزاری که اهالی شهر و ژاندارم‏ها به صاحب‏منصبان وطن دوست محبوس وارد آوردند قلم از شرح آن عاجز و قاصر است.

وقایع بعد از سقوط شیراز:صبح 17 حمل 1334 تلفونچی خبر سقوط شیراز و وقایعی‏ را که واقع شده بود به سلطان اخگر میدهد محمد علیخان ضرغام عشایر به منزل غضنفر- السلطنه رفته و مسیو واسموس هم روانه اهرم میشود.اخگر تکلیف میخواهد میگویند باید تسلیم‏ شوی مدتی نزد خود فکر کرده این قسم تصمیم میگیرد اولا منزل غضنفر السلطنه برود آنجا با هژبر نظام و ضرغام عشایر ملاقات و تجدید عهد و اتحادی نموده آنگاه به سالار اسلام‏ و امیر اسلام نیز وقایع را تلفن نموده پست‏های فرونت را به مرکز برازجان جمع نموده‏ تلگرافی مبنی بر اطاعت خود برای اینکه قدری فرصت یافته از عده اطرافیان خود اطمینان‏ پیدا کرده و بصورت درست وقایع را فهمیده تا چاره بیندیشند.

در جواب حضوری فتح الملک اظهار میکند این کار را برای خیریت ملت نموده و ابدا طرفدار انگلیس نیست ولی چون دروغگو کم‏حافظه است در آخر تلگراف خود میگوید و دستور میدهد اولا اسرای انگلیسی را بهر شکل ممکنست آزاد نماید ثانیا قونسول آلمانرا دستگیر نماید.

سلطان اخگر معنی بیطرفی را فهمید مصلحتا جواب میدهد باین دو کار اقدام میکنم. ولی چون پنجم ماه است بهیچوجه پول به باطالیان نرسیده لازم است قبلا قدری پول برای‏ تهیه و تدارک آذوقه و غیره بفرستد که تهیه دیده درصورتیکه با ملایمت نشد به قوه قهریه‏ بانجام میرسانم مقصود از این شرط این بوده که اگر پول بفرستند تدارک دیده موافق‏ صلاح ملت آنچه از کمیته مجاهدین تصویب شود اقدام نماید و اگر پول نرسد عذری برای‏ انجام خواهش فتح الملک باشد فورا مفاد سئوال و جواب را به کمیته اطلاع میدهد.

علاوه،چندی قبل از بابت محاسبات شش ماه پیش مرحوم یاور علیقلی خان مبلغ‏ چهار هزار تومان حواله حاج محمد هاشم شد و حاج صدیق التجار برازجانی داده بود آن پول را گرفته تقسیم کرده بودند به محض حدوث این واقعه کمپانی بهبهانی که حواله‏دهنده از شیراز بود به وکلای خود تلگراف کرده بود اگر نداده‏اید ندهید و اگر داده‏اید پس‏بگیرید آنها هم در این موقع فشار بی‏پولی،پول را مطالبه مینمودند.

حاج صدیق پانصد تومان از این وجه را که برسم احتیاط امانت داشت نگاهداشته‏ و عده سلطان اخگر به قوت لایموت محتاج شده بودند بهر شکلی بود فتح الملک را وادار به قبول این وجه مینماید.(نا تمام)

(1)-منظور از فاخر السلطنه،آقای رضا حکمت(سردار فاخر)است که در آن زمان لقب‏ فاخر السلطنه داشته است.آقای سردار فاخر نیز خود گرفتار ستم انگلیسیان و اعوان و انصار او واقع شده و شبانه خانه خویش را ترک گفته در منزل آقای حاج میرزا هاشم اشرف عموی‏ مادری خودش پناه برده بود لیکن در این محل هم بیش از چهار روز نتوانست اقامت کند و بناچار به کمارج ملک شخصی خود رفت و قریب هشت ماه با اجانب جنگید و سرانجام از طریق بختیاری به تهران آمد.